

برهنگی‌ها

جورجو آگامبن

ترجمه‌ی ماهرخ آخوند



فهرست

- مقدمه‌ی مترجم ۷
۱. آفرینش و رستگاری ۹
۲. هم‌زمان چیست؟ ۲۱
۳. ک ۳۳
۴. در فواید و مضرات زندگی میان ارواح ۵۵
۵. دریاب آن‌چه می‌توانیم انجام ندهیم ۶۳
۶. شخصیت بدون شخص ۶۷
۷. برهنگی ۷۷
۸. بدن شکوهمند ۱۱۵
۹. اشتهای یک میش: ۱۳۱
۱۰. واپسین فصل تاریخ جهان ۱۴۳
- تئاتر خیمه‌شب‌بازی ۱۴۷
- یادداشت‌ها ۱۵۷
- کتاب‌شناسی ۱۶۵
- نمایه‌ی نام‌ها ۱۷۱

آفرینش و رستگاری

۱. پیامبران از همان سرآغاز و زودتر از آن چه انتظار می‌رفت، از تاریخ غرب محو شده‌اند. اگر حقیقت داشته باشد که دین یهود بدون شخصیت نبی^۱ قابل فهم نیست، و اگر اقوال و آثار پیامبرانه^۲، به هر معنا، جایگاهی اساسی را در کتاب مقدس به خود اختصاص داده باشند، مسلماً این نیز حقیقت دارد که از همان آغاز و همواره، در یهودیت نیروهایی در کار بوده‌اند که قصد محدودسازی و تعیین چارچوب فعالیت و دوره‌ی زمانی نبوت را داشته‌اند. بدین ترتیب، سنت خاخامی، میل به انحصار نبوت به آن گذشته‌ی ایده‌آلی را دارد که با نابودی معبد نخستین^۳ در سال ۵۸۷ قبل از میلاد، به پایان رسید. طبق آموزه‌ی خاخام‌ها، گرچه «پس از مرگ آخرین پیامبران - حَجّی^۴، زکریا و مَلْکی^۵ - روح مقدس از اسرائیل عزیمت کرد، وحی، همچنان از طریق بات کُل^۶ (اصطلاحاً به معنای «دخترِ ندا»^۷) و عبارت است

1. nabi

2. prophetic

۳. First Temple. معبد نخستین یا معبد سلیمان که در اورشلیم باستان، نخستین معبد مقدس به شمار می‌آمد و سپس به دست نبوکد نصر دوم در سال ۵۸۷ ق. م تخریب شد و بلافاصله پس از آن در قرن ششم قبل از میلاد، یک معبد ثانی جایگزین آن کردند. م

4. Haggai

5. Malachi

6. bat kol

7. the voice's daughter

فن، سخنگوی آزاد^۱. وی، طی سخنانی که در ادامه بیان می‌کند، در تاریخ فلسفه‌ی مدرن، به جستجوی ردپای اعقاب این حق‌گویان می‌پردازد. با این حال، این مسئله همچنان مطرح باقی می‌ماند که در مجموع، هیچ‌کس امروزه در صورت ادعای مقام پیامبری، سرِ راحت بر زمین نخواهد گذاشت.

۲. می‌دانیم در دین اسلام، پیامبر، نقشی حتی اساسی‌تر ایفا می‌کند. در این دین، نه تنها پیامبران معمولی که در انجیل از آن‌ها نام برده شده، بلکه حتی ابراهیم، موسی و عیسی نیز به پیامبری شناخته می‌شوند. با این حال، حتی در این سنت نیز محمد، نمونه‌ی اعلای پیامبری و خاتم پیغمبران به شمار می‌آید؛ او که بی‌شک با کتاب خود، ختم تاریخچه‌ی پیامبرگرای (که به طور نهفته حتی در این جا، از طریق تفسیر بر قرآن و شرح آن ادامه یافته) بوده است.

با این حال، این نکته قابل توجه است که سنت اسلامی، چهره و نقش پیامبری را به یکی از دو نقش و فعل خدا گره می‌زند. طبق این باور، دو نوع متفاوت فعل یا رسم (سنت^۲) وجود دارد: فعل آفریدن و فعل رستگاری بخشیدن (یا حکم^۳). پیامبران در دومی سهیم هستند؛ آنان به‌مثابه‌ی واسطه‌های رستگاری در آخرت عمل می‌کنند. ملائکه در اولی سهیم‌اند؛ عمل آفریدن را بازنمایی می‌کنند (چیزی که در مورد ابلیس - فرشته‌ای که در اصل، مقام حکومت بر زمین به وی واگذار شده بود پیش از آن‌که از سجده در برابر آدم خودداری کند - به صورت راز باقی مانده است). شهرستانی^۴ می‌نویسد، «خدا دو فعل یا رسم دارد: یکی با آفرینش

۱. Parrhesiast، برگرفته از واژه‌ی یونانی parrhesia که برای نخستین بار در آثار اورپید ظاهر می‌شود. این کلمه تحت‌اللفظی به معنای «حرف زدن از همه چیز» است. یعنی به‌گرنده‌ای اطلاق می‌شود که ترس از جان نداشته و به‌راحتی هر چه در دل دارد را، حتی در موقعیت‌های خطرناک و در محضر قدرت (پادشاه)، به زبان می‌آورد. در فرهنگ اسلامی، نمونه‌ی چنین سخنگویی را می‌توان در شخصیت «بهلول» یافت. یا آنتیگونه در فرهنگ اسطوره‌ی یونان. م

2. sunnah

3. the Command

۴. تاج‌الدین ابوالفتح محمدبن عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸-۴۷۹). مورخ، دانشمند و پژوهشگر اسلامی. م

از سنت شفاهی تورات و همین‌طور شرح و تفسیر آن^۱، به نزول ادامه می‌داد». مسیحیت نیز به همین شکل، به عملکرد ضروری رسالت^۱ پی می‌برد و در واقع، پیوند میان عهد قدیم و جدید را بر بنیانی پیامبرانه قرار می‌دهد. با این حال، از آن‌جا که مسیح بر زمین ظهور کرده و وعده‌ی داده شده را محقق می‌ساخت، دیگر نیازی به وجود پیامبر دیده نمی‌شد و از این رو سن پل، سن پیترو و دیگر یاران این‌ها، خود را تحت عنوان رسول^۲ معرفی کرده بودند (به معنای «کسانی که پیشاپیش فرستاده شده‌اند»)، و نه هرگز تحت عنوان پیامبر. به همین دلیل، در سنت مسیحیت، راست‌گیشان به آنان که ادعای پیامبری دارند، مگر به سوءظن و بدگمانی نگاه نمی‌کنند. با توجه به آنچه گفته شد، آنان که می‌خواهند خود را به‌نحوی به پیامبری مرتبط سازند، فقط می‌توانند به واسطه‌ی تفسیر متون مقدس، مطالعه‌ی آن‌ها به شیوه‌ای جدید یا بازگرداندن معنای اصیل از دست‌رفته‌ی آن‌ها، به مقصود خود برسند. در یهودیت نیز همچون مسیحیت، هرمنوتیک، جایگزین پیامبرگرای^۳ شده است و تنها در قالب تفسیر است که می‌توان (وظیفه) رسالت را عملی ساخت. بدیهی است که پیامبر به‌کلی از فرهنگ غرب ناپدید نشده است. او بسته‌گریخته، تحت نقاب‌های متعدد، حتی شاید خارج از حوزه‌ی هرمنوتیکی که اغلب تحت لوای آن، به شایستگی فهمیده شده، به کوشش خود ادامه می‌دهد. و از همین رو آبی واربرگ^۴، نیچه و جیکوب برکهارت^۵ را تحت عنوان دو نوع متضاد از نبی دسته‌بندی می‌کند: اولی به سوی آینده هدایت می‌کند و دومی به سوی گذشته. میشل فوکو نیز در سخنرانی فوریه‌ی سال ۱۹۸۴ در کالج فرانسه، میان چهار شخصیت حق‌گو^۶ در جهان باستان تمایز قائل می‌شود: پیامبر، حکیم، استاد

1. prophecy

2. apostel

3. prophetism

4. Aby Warburg

۵. Jacob Burckhardt (۱۸۹۷-۱۸۱۸). مورخ سوئیسی تاریخ فرهنگ و هنر. م

6. truth-teller